

حکمرانی و حق‌الضرب: مورد کشورهای منتخب اوپک و ایران

علی رشید شمخال^۱کامبیز پیکارجو^۲بیت‌الله اکبری مقدم^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳

چکیده

حق‌الضرب علاوه بر اینکه برای دولت‌ها ابزار اقتصادی بسیار مهمی است، از جنبه حاکمیتی نیز برای آنان جایگاه ویژه‌ای ایجاد کرده است. قدرتی که دولت به واسطه برخورداری از حق‌الضرب به‌دست می‌آورد، می‌تواند با استقلال بانک مرکزی یا از طریق نهادهای اجتماعی بر مبنای حکمرانی خوب مدیریت شود. این پژوهش، در قالب یک مدل خود رگرسیونی برداری پنلی (PVAR) برای سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۰ به بررسی رابطه حکمرانی خوب و حق‌الضرب در کشورهای عضو اوپک پرداخته است. در این مطالعه، با احتیاط وجود رابطه معکوس میان بهبود شاخص حکمرانی خوب و استفاده دولت‌ها از حق‌الضرب مورد تأیید قرار گرفت. برای کشورهای عضو اوپک از شش فاکتور تعیین‌کننده حکمرانی خوب، برای چهار عامل، وجود رابطه معکوس میان تغییرات حکمرانی خوب و استفاده دولت از حق‌الضرب تأیید شد، اما نتایج تحقیق نمایانگر رابطه معنادار آماری میان استفاده دولت از حق‌الضرب و دو عامل «تغییرات در ثبات سیاسی و نبود خشم و تروریسم» و «کارایی دولت» نبود. همچنین، یافته‌ها نشان دادند که اثر تکانه‌های حکمرانی خوب، به‌عنوان یک عامل نهادی بر حق‌الضرب، اثری ماندگار دارند که تا هفت سال باقی می‌ماند.

واژگای کلیدی: اوپک، حق‌الضرب، حکمرانی خوب

طبقه‌بندی JEL: E51, H11, C32

۱. دانشجوی دکتری اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

shamkhal@qiau.ac.ir

۲. استادیار گروه اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

dr.k.peykarjou@gmail.com

۳. دانشیار گروه اقتصاد، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

akbari.beitollah@gmail.com

۱. مقدمه

حکمرانی خوب، آثار مختلف و مثبتی را بر درآمدهای دولت و کارآمدی تخصیص هزینه‌های دولت دارد. وقتی به موضوع پول در اقتصاد توجه می‌کنیم، یکی از ابعاد مهم آن، بعد اعمال حاکمیت در انتشار پول می‌باشد که آن را، به عنوان حق الضرب می‌شناسیم. هرچند در نگاه نخست، استفاده از حق الضرب، حق طبیعی دولت‌ها به نظر می‌رسد، اما چنانچه موجب شود که نرخ رشد پول سریع‌تر از نرخ رشد اقتصادی گردد، موجب تورم شده و مالیات تورمی^۱ را در پی دارد. پدیده پولی نمودن کسری^۲ براساس نظریه تسلط مالی، ضمن اختلال در استقلال بانک مرکزی، این بانک را در کنترل پولی و سیاستگذاری پولی مناسب ناتوان می‌کند. در کشورهایی مانند اعضای کارتل نفتی اوپک که بودجه دولت‌ها معمولاً رابطه نزدیکی با درآمدهای نفتی دارد، گاهی تحت تأثیر نوسانات قیمت نفت، کسری در بودجه ناگزیر می‌گردد که، خودبه‌خود می‌تواند انگیزه دولت را برای استفاده بیشتر از حق الضرب تقویت نماید. همچنین پوشاندن ناتوانی دولت در حکمرانی خوب و در نتیجه ناکارآمدی و فساد، موجب نیاز به استفاده بیشتر از حق الضرب است. موضوعی که در این تحقیق بدان پرداخته شده، رابطه میان حکمرانی خوب و حق الضرب در شرایطی است که کشورهای مورد بررسی، عضو اوپک هستند و دولت‌هایشان به درآمدهای نفتی دسترسی دارند.

فرايند سازماندهی قدرت دولتی در ارائه کالاها و خدمات عمومی، حکمرانی نامیده می‌شود. برای آنکه حکمرانی خوب تحقق یابد، باید تمام احزاب در جامعه، تعهد و نقش‌آفرینی داشته باشند؛ یعنی دولت و جامعه در تعامل مشترک، آن را ایجاد نمایند. یک حکمرانی خوب و مؤثر، مستلزم هماهنگی و یکپارچگی، اخلاق حرفه‌ای و کاری است. بنابراین پیاده‌سازی مفهوم حکمرانی خوب در اداره امور دولت، به‌خودی‌خود یک چالش برای آن است (سدارمایانتي، ۳، ۲۰۱۲). بانک جهانی با معرفی شاخص حکمرانی خوب از سال ۱۹۹۵ به محاسبه و انتشار این شاخص برای کشورها پرداخته است.

در ادامه ساختار مقاله به شرح زیر است: نخست به بررسی میزان حق الضرب و شاخص‌های حکمرانی خوب در کشورهای عضو اوپک پرداخته می‌شود. سپس مبانی نظری در مورد ارتباط میان متغیرهای اصلی تحقیق بررسی، و آنگاه پیشینه تحقیقات در مورد حق الضرب و حکمرانی خوب ارائه می‌گردد. پس از آن، به معرفی مدل و تعاریف عملیاتی متغیرها پرداخته شده است و در ادامه روش تخمین معرفی شده و سپس به تحلیل نتایج تجربی پرداخته می‌شود. در پایان نیز نتیجه‌گیری مقاله ارائه گردیده است.

1. Inflation tax
2. Monetization of deficit
3. Sedarmayanti (2012)

اهداف

تحقیقات پیشین در بررسی عوامل مؤثر بر حق‌الضرب توجه خود را بیشتر به متغیرهای اقتصادی معطوف نموده‌اند. این تحقیق با توجه به آثار عمیقی که حکمرانی خوب در جامعه و اداره جامعه، برجای می‌گذارد، به دنبال آن است تا اثر آن را بر موضوع پراهمیت استفاده دولت از حق‌الضرب در قالب یک مدل خود رگرسیونی برداری پنلی (PVAR) برای سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۰ در مجموعه کشورهای عضو اوپک که دولت اتکای قابل‌توجهی بر درآمدهای نفتی دارند، بررسی کند.

۲. حق‌الضرب و شاخص‌های حکمرانی خوب در کشورهای عضو اوپک

در مطالعات مختلف، تعاریف متفاوتی از حق‌الضرب^۱ ارائه شده است که به موارد زیر تقسیم می‌شوند: دسته‌های اصلی: الف) «انتقال ثروت از بخش خصوصی به بخش دولتی» مرتبط با افزایش پایه پولی، و ب) تعاریف انجام شده با تأکید بر «درآمد مستقیم بانک مرکزی».

دسته اصلی اول که با «انتقال ثروت از بخش خصوصی به بخش دولتی» مرتبط با افزایش پایه پولی تعریف می‌شود، سه نوع حق‌الضرب را از یکدیگر متمایز می‌کند:

«رویکرد هزینه فرصت»، «رویکرد پولی» و «مالیات تورمی براساس پول». اگر i_t نرخ بهره اسمی در دوره t باشد، پایه پولی M_t ، قیمت کالاها را با P_t نشان دهیم و تولید ناخالص داخلی واقعی Y_t باشد، سپس هزینه فرصت حق‌الضرب ($S_{1,t}$)، به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی به شرح زیر تبیین می‌شود:^۲

$$S_{1,t} = i_{t-1} \frac{M_{t-1}}{P_t Y_t} \quad (1)$$

همچنین، نوع «رویکرد پولی» همان‌طور که در مطالعات قبلی مارتی^۳ (۱۹۶۷)، و فریدمن^۴ (۱۹۷۱) و دیگران بحث شده است، حق‌الضرب را برابر افزایش در پایه پولی در نظر می‌گیرد؛ یعنی این دیدگاه به‌طور مستقیم انتشار پول را به‌عنوان حق‌الضرب در نظر می‌گیرد و «حق‌الضرب پولی» می‌نامد. حق‌الضرب پولی ($S_{2,t}$) در منابعی مانند رومر^۵ (۲۰۱۱) و مقالات دیگر اقتصاددانان مکرراً به‌صورت درصدی از GDP ذکر شده است. لذا در این تحقیق، از این تعریف استفاده می‌شود.

۱. تعاریف دیگری نیز در این زمینه وجود دارند که به جهت اختصار از بیان آنها صرف‌نظر شده است.
۲. تولید ناخالص داخلی اسمی به‌عنوان مخرج، در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است. با این حال، بسیاری از مطالعات قبلی از ارزش اسمی کالاها و خدمات تولید شده در جامعه برای تعریف حق‌الضرب استفاده کرده‌اند از جمله Buiter (2007) و دیگران نیز با استفاده از تولید ناخالص داخلی، سهم حق‌الضرب را تعیین کردند.

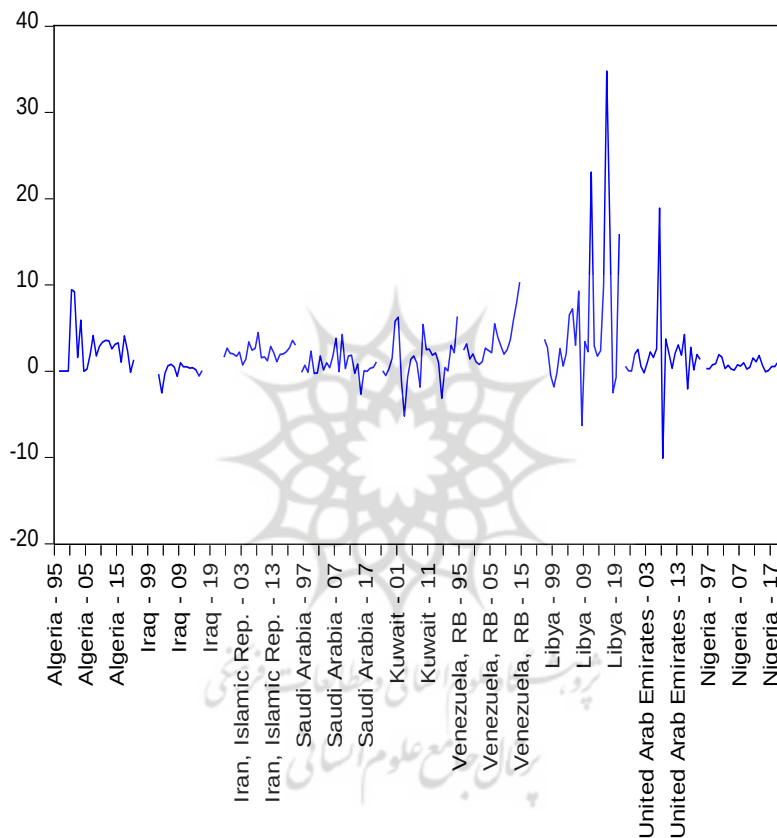
3. Marty (1967)

4. Friedman (1971)

5. Romer (2011)

$$S_{r,t} = \frac{\Delta M_t}{P_t Y_t} = \frac{M_t - M_{t-1}}{P_t Y_t} \quad (2)$$

در نمودار (۱) و جدول (۱) میزان حق الضرب و مشخصه‌های آن را در کشورهای عضو اوپک در دوره ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۰ ملاحظه می‌کنیم. در سال‌هایی که پایه پولی کاهش داشته، مقدار حق الضرب منفی شده است.



نمودار ۱: حق الضرب در کشورهای عضو اوپک
(مأخذ: محاسبات تحقیق)

ملاحظه می‌شود که در لیبی تحت تأثیر تحولات سیاسی، مقدار حق الضرب به شدت افزایش یافته، امارات، ونزوئلا و الجزایر نیز مقادیر قابل ملاحظه‌ای استفاده از حق الضرب را تجربه کرده‌اند.

جدول ۱: حق الضرب در کشورهای عضو اوپک، ۱۹۹۵-۲۰۲۰ میلادی

میانگین	انحراف معیار	بیشینه	کمینه	میانگین	انحراف معیار	بیشینه	کمینه	میانگین	انحراف معیار	بیشینه	کمینه	
۲/۳۶	۰/۳۵	۲/۰۹۰۱	۰/۳۹	۱/۳۹	۲/۵۱	۲/۷۳	۱/۸۵	۰/۶۹	۲/۳۶	۰/۳۵	۲/۰۹۰۱	۰/۳۹
۲/۶۰	۰/۸۵	۰/۸۵۵۱	۱/۴۰	۲/۷۸	۲/۴۶	۸/۹۰	۴/۴۸	۰/۶۹	۲/۶۰	۰/۸۵	۰/۸۵۵۱	۱/۴۰
۹/۴۴	۰/۹۷	۴/۴۷۳۲	۴/۲۵	۶/۳۴	۱۰/۳۳	۳۴/۷۹	۱۸/۹۱	۲/۸۷	۹/۴۴	۰/۹۷	۴/۴۷۳۲	۴/۲۵
-۰/۱۲	-۲/۵۱	۰/۷۲۲۹	-۲/۶۶	-۵/۲۲	۰/۷۷	-۶/۲۸	-۱۰/۱۰	-۰/۰۹	-۰/۱۲	-۲/۵۱	۰/۷۲۲۹	-۲/۶۶

(منبع: بانک جهانی)

حکمرانی خوب بر اساس شش شاخص توسط بانک جهانی برای هر یک از کشورها به طور سالیانه مورد سنجش قرار می‌گیرد. این شاخص‌ها که شاخصه‌های حکمرانی خوب شناخته می‌شوند، عبارت‌اند از: (۱) پاسخگویی و حق اظهارنظر؛ (۲) ثبات سیاسی و نبود خشونت/تروریسم؛ (۳) اثربخشی دولت؛ (۴) کیفیت تنظیم‌کنندگی؛ (۵) حاکمیت قانون؛ (۶) مهار فساد.

در جدول (۲) ویژگی‌های حکمرانی خوب در کشورهای اوپک بر اساس شاخص‌های شش‌گانه بانک جهانی خلاصه شده است. بالاترین میانگین برابر ۰/۵۶۳۰ - مربوط به کنترل فساد و کمترین میانگین ۱/۰۸۳۵ - مربوط به شاخص پاسخگویی و حق اظهارنظر می‌باشد.

به طور خاص برای ایران، ملاحظه می‌شود که میزان حق‌الضرب به طور متوسط حدود ۲ درصد تولید ناخالص ملی است که از میانگین ۱/۸۵ مجموعه کشورهای مورد بررسی بالاتر است اما انحراف معیار آن یعنی ۰/۸۵ از میانگین انحراف معیار مجموعه یعنی ۲/۴۶ کمتر می‌باشد. این‌ها نشان می‌دهد که ایران در مقایسه با متوسط کشورهای عضو اوپک بیشتر و به صورتی با ثبات‌تر از حق‌الضرب استفاده می‌کند. می‌دانیم این شاخص‌ها می‌توانند مقادیری بین ۲/۵ تا منفی ۲/۵ را اختیار کنند. جدول (۲) در کل نشان دهنده آن است که حکمرانی در کشورهای مورد بررسی چندان مطلوب نیست.

1. Voice and Accountability: VA

2. Political Stability and Absence of Violence/Terrorism: PV

3. Government Effectiveness: GE

4. Regulatory Quality: RQ

5. Rule of Law: RL

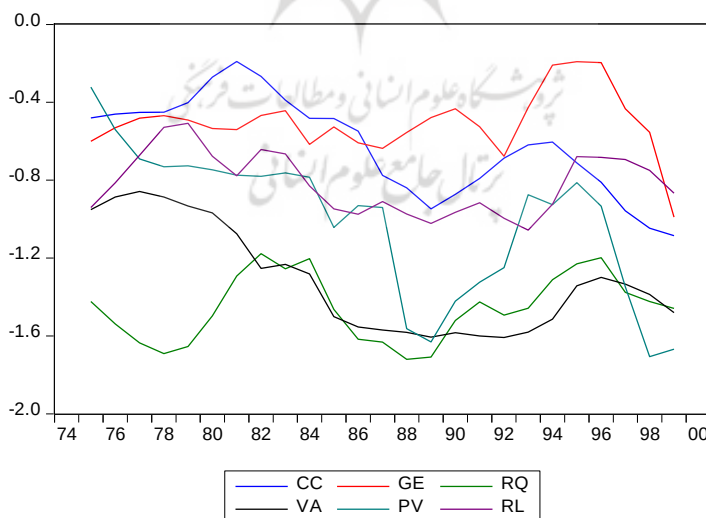
6. Control of Corruption: CC

جدول ۲: آمار توصیفی شاخص‌های حکمرانی خوب در اعضای اوپک (کشورهای منتخب)

معیار	پاسخگویی و حق اظهار نظر (VA)	ثبات سیاسی و نبود خشونت / تروریسم (PV)	کیفیت تنظیم کنندگی (RQ)	حاکمیت قانون (RL)	اثربخشی دولت (GE)	کنترل فساد (CC)
میانگین	-۱/۰۸۳۵	-۰/۸۲۲۸	-۰/۷۷۰۲	-۰/۶۷۰۷	-۰/۵۶۷۱	-۰/۵۶۳
میانه	-۱/۰۴۴۷	-۰/۹۱۵۸	-۰/۹۱۸۹	-۰/۸۶۳۷	-۰/۶۰۰۱	-۰/۷۷۴۵
پیشینه	۰/۱۱۵۰	۰/۹۹۵۰	۱/۱۲۰۵	۰/۹۱۶۹	۱/۵۰۹۳	۱/۲۸۰۸
کمینه	-۲/۰۵۰۳	-۲/۱۸۰۸	-۲/۳۶۳۲	-۲/۳۴۶۱	-۲/۰۸۸۶	-۱/۶۲۶۵
انحراف معیار	۰/۴۹۵۸	۱/۰۲۹۱	۰/۸۸۶۹	۰/۸۳۴۳	۰/۷۸۹۸	۰/۷۷۵۸

(منبع: بانک جهانی و محاسبات تحقیق)

نمودار (۲)، شاخص‌های حکمرانی خوب در ایران را بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۹ نشان می‌دهد. در تمام این سال‌ها مقادیر همه شاخص‌ها منفی می‌باشد که نشان می‌دهد حکمرانی در ایران، نیازمند بازنگری و اصلاح است به‌ویژه شاخص‌های کیفیت تنظیم کنندگی و پاسخگویی و حق اظهار نظر، کمترین مقادیر را داشته‌اند. مقادیر کلیه شاخص‌ها بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ در کمترین حد خود قرار داشته‌اند.



نمودار ۲: شاخص‌های حکمرانی خوب در ایران
(منبع: بانک جهانی)

چنان که در جدول (۳) مشاهده می شود، در همه شاخص ها بجز اثر بخشی دولت، میانگین برای ایران از متوسط مجموعه کشورهای مورد بررسی، پایین تر می باشد. همین طور از مقایسه دو جدول (۲) و (۳) نتیجه می شود که انحراف معیار شاخص ها در ایران از میانگین کشورهای منتخب به مراتب پایین تر می باشد که نشان دهنده تغییرپذیری اندک وضعیت حکمرانی در ایران است.

جدول ۳: آمار توصیفی شاخص های حکمرانی خوب در ایران (۱۳۹۹-۱۳۷۵)

معیار	پاسخگویی و حق اظهار نظر (VA)	ثبات سیاسی و نبود خشونت / تروریسم (PV)	کیفیت تنظیم کنندگی (RQ)	حاکمیت قانون (RL)	اثر بخشی دولت (GE)	کنترل فساد (CC)
میانگین	-۱/۳۱	-۱/۰	-۱/۴۵	-۰/۸۱	-۰/۵۰	-۰/۶۲
میانه	-۱/۳۴	-۰/۹۲	-۱/۴۵	-۰/۸۲	-۰/۵۲	-۰/۶۰
بیشینه	-۰/۸۵	-۰/۳۲	-۱/۱۷	-۰/۵۰	-۰/۱۹	-۰/۱۹
کمینه	-۱/۶۰	-۱/۷۰	-۱/۷۲	-۱/۰۵	-۰/۹۸	-۱/۰۸
انحراف معیار	۰/۲۶	۰/۳۷	۰/۱۶	۰/۱۵	۰/۱۶	۰/۲۵

(منبع: بانک جهانی و محاسبات تحقیق)

۲. پیشینه تحقیق

نخست به برخی از تحقیقات انجام شده اخیر در ارتباط با حق الضرب می پردازیم، سپس به ادبیات مرتبط حکمرانی خوب اشاره می کنیم.

۲-۱. حق الضرب

مطالعات داخلی:

جعفری صمیمی و رشید شمخال (۱۳۷۶)، نشان دادند که با افزایش درآمد سرانه، مالیات توری در کشور افزایش یافته و مخارج دولت با مالیات توری ارتباط مستقیم دارد.

وطن پور (۱۳۸۰)، در مقاله ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر مالیات توری در اقتصاد ایران»، به بررسی آثار تغییرهای ساختار تولید اقتصاد بر مالیات توری و همچنین بررسی اثر مالیات توری، بر مصرف بخش خصوصی پرداخته است. نتایج کار او نشان می دهد که بخش صنعت و معدن، بیشترین و بخش نفت، کمترین تأثیرگذاری را بر مالیات توری دارد.

عسگری (۱۳۸۴)، در مطالعه خود بیان می کند، اصلاح سیاست های مالی و پولی، تغییر در نظام سیاسی کشور و افزایش استقلال بانک مرکزی، از جمله راه حل هایی است که می تواند به مدیریت بهتر مالیات توری کمک کند. همچنین، درک عوامل متغیری که بر این مشکل تأثیر می گذارند، می تواند به تدابیری برای مدیریت بهتر این موضوع منجر شود.

مرادی و تاجیک خواه (۱۳۸۹) اشاره می‌کنند در ایران، به دلیل ضعف توسعه بازارهای مالی داخلی، فقدان یک نظام مالیات‌گیری کارا و وجود محدودیت‌هایی برای استقراض خارجی، طی دهه‌های گذشته، کسری بودجه دولت عمدتاً یا از طریق استقراض از بانک مرکزی و یا از طریق فروش دلارهای نفتی به بانک مرکزی تأمین می‌شده است و هر دو روش، منجر به افزایش پایه پولی یا پول پر قدرت شده و طی آن، نرخ تورم افزایش یافته است.

دل‌انگیزان و همکاران (۱۳۹۰) دریافتند حق الضرب پول در سطوح بالاتر از حد آستانه، دارای اثر منفی و معنی‌دار بر رشد اقتصادی است ولی در سطوح پایین‌تر از حد آستانه، تأثیر حق الضرب بر رشد اقتصادی خنثی است.

صباغ کرمانی و همکاران (۱۳۹۳) به این نتیجه دست یافتند که استقلال سیاست پولی از سیاست مالی در ایران کمتر از ۸ درصد می‌باشد. همچنین نتایج به دست آمده مبین آن است که با کاهش حاکمیت مالی، نرخ تورم در ایران کاهش می‌یابد.

ورشوساز و همکاران (۱۳۹۹) نشان دادند که با افزایش تقاضا برای رمزارزها، تقاضای پول رسمی، کاهش یافته و به تبع آن، درآمد ناشی از حق الضرب کاهش می‌یابد.

قدیمی و همکاران (۱۳۹۹)، نشان دادند که از یک سو، با افزایش درجه استقلال بانک مرکزی، رشد حجم پول کاهش می‌یابد و از سوی دیگر، سلطه مالی، ضریب سیاست پولی بهینه را کوچک‌تر می‌کند و بیشترین قدرت تثبیت‌کنندگی سیاست بهینه پولی در حالت استقلال کامل سیاست پولی رخ می‌دهد.

تقی نژاد عمران و همکاران (۱۴۰۱)، برای کشورهای منتخب OECD و هشت کشور اسلامی در حال توسعه، به بررسی تأثیر متغیر سیاسی در رابطه با حق الضرب و نابرابری درآمدی پرداخته‌اند. یافته‌های آنها نشان داده که متغیر سیاسی حق اظهار نظر و پاسخگویی با کاستن اندازه اتکای دولت به درآمد حق الضرب، می‌تواند زمینه بهبودی توزیع درآمد در این کشورها را مهیا سازد، همچنین بهبود در حق اظهار نظر مردم و پاسخگویی دولت با تقویت رشد اقتصادی، باعث بهبود در توزیع درآمد می‌گردد.

مطالعات خارجی:

هوانگ و وی (۲۰۰۶)، کیفیت نهادی در یک اقتصاد بر میزان محافظه‌کاری بانک مرکزی تأثیر می‌گذارد و هزینه جمع‌آوری مالیات در کشورهایی با کیفیت نهادی ضعیف‌تر، بالاتر خواهد بود. بنابراین، همان‌طور که هوانگ و وی در پژوهش خود بیان کرده‌اند، دولت‌ها تمایل بیشتری به افزایش حق الضرب خواهند داشت تا جمع‌آوری مالیات با هزینه بالاتر.

نتیجه تحقیق مینیا و ویلیو (2009)، نشان داد که هدف‌گذاری تورم، باعث کارکرد بهتر عوامل نهادی می‌شود و در کشورهایی که نهادها از عمق و کارکرد بهتری بهرمننداند، تأمین مالی تورمی و ایجاد تورم سطح پایین‌تری دارد. بنابراین، کیفیت نهادها در جامعه یک عامل تأثیرگذار بر رفتار دولت در تأمین مالی تورمی است.

لیدیآ (۲۰۱۲)، به بررسی تعیین‌کننده‌های اقتصادی و سیاسی حق‌الضرب در نیجریه پرداخته است. نتایج مطالعه او نشان داده که به‌رغم معنی‌دار نبودن اثرات متغیرهای اقتصادی در آن کشور، بی‌ثباتی سیاسی، یک عامل مهم در استفاده دولت از حق‌الضرب است. این نتیجه نیز لزوم توجه به عوامل نهادی را تأیید می‌کند.

محمد دهنون و بشار (۲۰۲۱)، در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که فساد باعث تغییر ترکیب مالیه عمومی به سمت حق‌الضرب و در نتیجه، کاهش رشد می‌شود.

آوادا (۲۰۲۳)، در مطالعه خود برای کشورهای مصر و قطر، دریافت که تأثیر حق‌الضرب پولی بر تورم شاخص قیمت مصرف‌کننده و رشد تولید ناخالص داخلی واقعی در مورد مصر در مقایسه با قطر، ضعیف و ناچیز است.

۲-۲. حکمرانی خوب

ادبیات اقتصادی در حوزه حکمرانی خوب، چندان گسترده نیست و با این حال در تحقیقات مختلف، تأثیرات حکمرانی خوب بر متغیرهای اقتصادی بررسی شده است. بسیاری از این تحقیقات به بررسی رابطه حکمرانی خوب و رشد اقتصادی و شاخص‌های توسعه پرداخته‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که حکمرانی خوب، به‌عنوان کلیدی برای حل معمای توسعه و رشد اقتصادی کشورها مورد توجه قرار گرفته است. پاره‌ای از تحقیقات نیز بر رابطه حکمرانی خوب و کاهش فساد تمرکز نموده‌اند.

مطالعات داخلی:

کمپجانی و سلاطین (۱۳۸۷)، در تحقیق خود ضمن پرداختن به مبانی تئوریک و مسیرهای مختلف تأثیرگذاری حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی، به بررسی تجربی ارتباط این متغیرها پرداخته‌اند. نتایج مطالعه آنها مشخص نمود که شاخص ثبات سیاسی در گروه کشورهای عضو اوپک و شاخص

1. Minea & Villieu (2009)

2. Aina Abiola Lydia (2012)

3. Mohammed Dhannoon Mohammed, Bashar Ahmed Al-Iraqi (2021)

4. Awad Ibrahim L. (2023)

۵. اثر حکمرانی خوب در حوزه‌های غیر اقتصادی به طور گسترده‌ای مطالعه شده که در حیطه این تحقیق قرار نمی‌گیرد.

کنترل فساد در گروه کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، دارای بیشترین تأثیر بر نرخ رشد اقتصادی می‌باشند. همین‌طور در مقایسه در گروه کشورهای عضو اوپک، میزان تأثیرگذاری شاخص کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی، بیشتر است. تحقیق متفکر آزاد و همکاران (۱۳۹۲)، نیز در مورد ۷۴ کشور، تأثیر مثبت نحوه حکمرانی بر تولید ناخالص داخلی را تأیید نموده است.

محمد زاده و همکاران (۱۳۹۵)، تأثیر اندازه دولت بر حکمرانی خوب و عملکرد اقتصادی را بررسی نموده‌اند. آن‌ها بیش از ۵۰ کشور را مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج نشان داده که اندازه دولت، تأثیر منفی بر روی شاخص حکمرانی خوب و رشد تولید ناخالص داخلی دارد. از آنجا که با بزرگ‌تر شدن دولت، انواع فساد، رانت‌جویی، رشوه، سوءاستفاده از اموال عمومی و غیره، عموماً در بخش دولتی معنی پیدا می‌کند و نه در بخش خصوصی، لذا گسترش بیش از حد دولت در اقتصاد، زمینه‌های تضعیف شاخص‌های حکمرانی خوب و نظام صحیح مدیریت را فراهم می‌آورد.

نتایج تحقیقات مختلف، نشان داده است که حکمرانی خوب، منجر به استقلال بیشتر بانک مرکزی می‌شود و در نتیجه، اساساً توان و امکان دولت‌ها برای استفاده بیش‌ازحد از حق الضرب، محدود خواهد شد.

درخشانی و محنت فر (۱۳۹۵)، در مطالعه‌ای که برای ۲۶ کشور منتخب انجام داده‌اند، رابطه مثبت و معناداری میان درجه استقلال بانک مرکزی و شاخص حکمرانی خوب یافته‌اند.

رضایی و همکاران (۱۳۹۸)، به تأثیر استقلال بانک مرکزی بر حکمرانی خوب پرداخته‌اند و اثر مثبت متقابل میان این دو متغیر مورد تأیید قرار گرفته است.

ظهیری و همکاران (۱۴۰۱)، به بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر توسعه پایدار پرداخته‌اند. مطالعه آنان معطوف به کشورهای عضو اوپک پلاس بوده و نتیجه این تحقیق، نشان داده است که شاخص حاکمیت قانون و شاخص توسعه انسانی (به‌عنوان نماینده حکمرانی اجتماعی)، دارای اثر مثبت بر شاخص توسعه پایدار بوده، همچنین شاخص ثبات اقتصاد کلان (به‌عنوان نماینده حکمرانی اقتصادی)، دارای اثر منفی بر این شاخص بوده، و در نهایت، میان ابعاد مختلف حکمرانی، حکمرانی اجتماعی دارای بیشترین تأثیر بوده است.

مطهری نژاد و نصرالهی (۱۴۰۱a)، در مطالعه خود برای ایران به این نتیجه رسیدند که در کوتاه مدت، هم حاکمیت قانون بر حجم نقدینگی مؤثر است و هم، حجم نقدینگی بر حاکمیت قانون، لیکن در بلندمدت، تنها این حجم نقدینگی است که تأثیر منفی بر حاکمیت قانون داشته است.

مطهری نژاد و نصرالهی (۱۴۰۱b)، همین‌طور در مطالعه دیگر خود در مورد کشورهای صادر کننده نفت، به رابطه منفی حاکمیت قانون و نقدینگی اذعان داشتند.

مطالعات خارجی:

مایور^۱ (۱۹۹۵)، کلاگیو^۲ (۱۹۹۷)، آلسینا^۳ (۱۹۹۸)، لاپورتو^۴ و همکاران (۱۹۹۸)، کناک و کیفره (۲۰۰۳)، کناک^۵ (۲۰۰۳)، فنگ^۶ (۲۰۰۳)، در تحقیقات خود، بر تأثیر مثبت شاخص‌های حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی صحنه نهاده‌اند.

چانگ و گرادستین^۸ (۲۰۰۴)، در تحقیق خود در مورد ۱۲۱ کشور، به این نتیجه رسیده‌اند که ارتقاء شاخص‌های حکمرانی خوب، نابرابری درآمدی را کاهش می‌دهد. همچنین بالا رفتن سطح حاکمیت قانون و کنترل فساد، به توسعه اقتصادی و توسعه انسانی کمک می‌کند.

لی و فیلر^۹ (۲۰۰۷)، به بررسی اثر حاکمیت قانون بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان داده که سطح پایین‌تر حاکمیت قانون، موجب می‌شود سرمایه‌گذاران، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را بر سرمایه‌گذاری مالی خارجی اولویت دهند.

تویی و تای^{۱۰} (۲۰۲۱)، به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که آیا حکمرانی خوب بر رابطه کسری بودجه و تورم مؤثر است یا خیر و نتیجه، نشان داده که در کشورهای توسعه یافته با سطح حکمرانی بهتر، کسری بودجه، موجب کاهش تورم شده و در کشورهای در حال توسعه که کیفیت حکمرانی پایین‌تر است، تورم زا است.

۳. مبانی نظری

مدیریت پولی و نقش حاکمیتی آن در کشورها تا جایی اهمیت یافته که گاهی، از بانک مرکزی به‌عنوان رکن چهارم حاکمیت یاد می‌شود. ریشه این دیدگاه، علاوه بر نقش بسیار مهم عملکرد سیستم پولی و مالی در اقتصاد، در این باور اصلی نهفته که پول نماد مشخصی از حاکمیت است و ناتوانی دولت در مدیریت پولی، موجب کاهش در قدرت حکومت‌ها است. حکمرانی خوب به‌عنوان یک عامل نهادی، ضمن استحکام ساختار اداره جامعه، از مبادی مختلفی بر مدیریت پولی در اقتصاد، تأثیرگذار است.

1. Mauro, P.(1995)
2. Clague, c.(1997)
3. Alesina, A.(1998)
4. La porto, R.(1998)
5. Knack, s. and keefer, p.(2003)
6. Knack, s. (2003)
7. Feng, Y.(2003)
8. Chong, A. and Gradstein, M. (2004)
9. Li, shaomin, & Filer, Larry (2007)
10. Thuy Tien Ho, Van Bon Nguyen, & Thi Bao Ngoc Nguyen (2021)

بانک مرکزی برای انجام وظایف خود، نیاز به استقلال در جنبه‌های مختلف دارد که حکمرانی خوب می‌تواند زمینه ساز این استقلال باشد. اینکه استقلال بانک مرکزی به چه معنا است و حدود آن چگونه تعیین می‌شود، با توجه به شرایط و ساختارهای مختلف موجود در یک اقتصاد، تعریف می‌گردد؛ اما در صورت ضعف در استقلال بانک مرکزی، یکی از اموری که بی‌شک می‌تواند مورد سوءاستفاده قرار گیرد، میزان استفاده دولت‌ها از حق الضرب است.

بر اساس آنچه از مطالعات پیشین برمی‌آید، اینکه دولت‌ها در چه شرایطی و تحت تأثیر چه عواملی به حق الضرب متوسل می‌شوند، سه دیدگاه متفاوت زیر، از هم متمایز می‌گردد: (۱) نظریه بیشینه‌سازی درآمد دولت؛ (۲) رهیافت مالیات‌بندی بهینه؛ (۳) سلطه مالی^۱.

هرچند که از بعد اقتصادی با توجه به نوسانات قیمت نفت، انتظار می‌رود در کشورهای مورد بررسی، نظریه تسلط مالی برقرار باشد، اما در این مطالعه، با توجه به تحقیقات اخیر و شناسایی اهمیت و اثر عوامل نهادی مهمی مانند حکمرانی خوب بر تصمیمات اقتصادی دولت‌ها، سعی شده ارتباط میان این متغیرها در قالب یک مدل خود رگرسیون برداری بررسی شود.

در شرایطی که ساختارهای نهادی کارآمد، منجر به شاخص‌های حکمرانی خوب در سطح بالاتر می‌شود، در نتیجه استفاده بیش‌ازحد از حق الضرب، به شیوه‌های مختلف کاهش می‌یابد. در واقع تأمین مالی تورمی، زمانی اتفاق می‌افتد که دولت نیاز داشته باشد، بخواهد و بتواند از این روش استفاده کند. برقراری حکمرانی خوب با توجه به آثار مثبتی که در سیستم درآمدی دولت به‌ویژه مالیات ستانی دارد، نیاز دولت را به استفاده از حق الضرب کاهش می‌دهد.

در کشورهای عضو اوپک که درآمدهای نفتی نیز در اختیار دولت‌ها قرار دارد، حکمرانی خوب می‌تواند بر مدیریت این درآمدها اثر بگذارد. درآمدهای نفتی دو اثر بر تصمیمات دولت دارد: یک اثر درآمدی و یک اثر پولی، یعنی از نظر درآمدی به درآمدهای در اختیار دولت می‌افزاید و از نظر پولی می‌تواند به منابع پایه پولی اضافه نماید. البته تا زمانی که معادل پول داخلی را از بانک مرکزی دریافت نموده و وارد اقتصاد داخلی نکرده است، منجر به تغییر پایه پولی و آثار تورمی نمی‌شود.

در کشورهایی که از نهادهای اجتماعی فعال و مؤثر بهره‌مندند، در نتیجه حکمرانی بهتر، دولت‌ها با نظم بیشتری از درآمدهای نفتی استفاده می‌کنند و در بسیاری مواقع در قالب صندوق‌های سرمایه‌گذاری، افزایش ثروت کشور را دنبال می‌نمایند. بنابراین، اثر درآمدهای نفتی بر حق الضرب در کشورهای عضو اوپک، از براین دو اثر فوق تعیین می‌شود که در ادامه مقاله، به تحلیل نتایج تجربی در این زمینه نیز پرداخته می‌شود.

۱. برای مطالعه بیشتر به مقاله جعفری صمیمی و رشید شمخال (۱۳۷۵) مراجعه شود.

از سوی دیگر، حکمرانی خوب و کارآمدی دولت، موجب کاهش هزینه‌های دولتی می‌شود که این موضوع نیز، نیاز به تأمین مالی تورم‌یزو استفاده از حق‌الضرب را کاهش می‌دهد. حکمرانی خوب با توجه به عواملی مانند پاسخگویی، هزینه‌های سیاسی دولت برای استفاده از حق‌الضرب را بالا می‌برد و تمایل دولت برای استفاده از تأمین مالی تورمی، کاهش می‌یابد.

در ادامه این قسمت، به بررسی مکانیسم اثر پارامترهای حکمرانی خوب بر حق‌الضرب می‌پردازیم: کنترل فساد از یک سو، موجب بالا رفتن درآمدهای مالیاتی می‌شود و از سوی دیگر، باعث کنترل و کاهش هزینه‌های دولت می‌گردد و در نتیجه، نیاز دولت به استفاده غیرمستعارف از حق‌الضرب را کاهش خواهد داد.

اثربخشی دولت به‌عنوان یک پارامتر مهم دیگر در سنجش حکمرانی خوب، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این شاخص، کیفیت خدمات عمومی، خدمات شهروندی و میزان استقلال آن‌ها از فشارهای سیاسی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و هرچه سیاست‌گذاری‌های عمومی به دور از زد و بندهای سیاسی و فشار گروه‌های همسود وضع و اجرا شوند، نظام سیاسی در قبال آن‌ها تعهد بیشتری نشان می‌دهد و وضعیت حکمرانی بهتر است. چنانچه حکمرانی بر اساس این شاخص بهبود یابد، موجب رضایت بیشتر شهروندان و مشارکت بیشتر در پرداخت مالیات خواهد شد و نیاز دولت به استفاده بیشتر از حق‌الضرب را کاهش خواهد داد.

از سوی دیگر، عدم اعمال منافع گروه‌های خاص در خط‌مشی‌های عمومی نیز ضمن کاهش هزینه‌های اضافی در سیستم دولتی، باعث افزایش اعتماد به دولت و بهبود درآمدهای مالیاتی، کاهش کسری بودجه و نیاز کمتر دولت به استفاده بیش‌از‌حد از حق‌الضرب می‌گردد. بنابراین، انتظار می‌رود تغییر مثبت در اثربخشی دولت، موجب کاهش استفاده از حق‌الضرب شود.

حاکمیت قانون به کیفیت اجرای قراردادهای، عملکرد پلیس، محاکم قضایی و همچنین میزان احتمال جنگ و خشونت در یک جامعه توجه می‌کند؛ بنابراین، اگر حکمرانی خوب براساس این شاخص بهبود یابد، انتظار می‌رود با بهبود این نوع خدمات زیربنایی برای کسب‌وکارها، رونق بیشتری حاصل شده و امکان کسب درآمدهای مالیاتی بیشتر شود. در نتیجه، نیاز به استفاده بیشتر از حد از حق‌الضرب، کاهش پیدا کند.

منظور از کیفیت تنظیم‌کنندگی در حکمرانی خوب، عملکرد و تنظیم فعالیت‌های دولت برای نفوذ بیشتر و دامنه گسترده‌تر فعالیت‌های بخش خصوصی می‌باشد. بدیهی است، انتظار داریم چنانچه دولت بتواند با تدوین و اجرای سیاست‌ها، موجب گسترش بیشتر فعالیت بخش خصوصی و اثرگذاری بیشتر آن در اداره امور جامعه شود، منابع بیشتری برای اخذ مالیات خواهد داشت و نیاز به استفاده بیش‌از‌حد از حق‌الضرب، کاهش خواهد یافت.

۱. چنانکه میلز و یوسفی (۲۰۱۴)، اشاره کرده‌اند، براساس یافته تجربی برای ۱۶ کشور و مدل‌سازی‌های مختلف، برای فساد، دولت‌ها انگیزه دارند تا برای جبران اثرات فساد از حق‌الضرب سوءاستفاده کنند.

درباره ثبات سیاسی یا نبود خشونت و تروریسم، هرچه یک دولت، کمتر در معرض بی‌ثباتی و سرنگونی و براندازی باشد و هرچه از راه‌های سالم و قانونی یا ابزارهای غیرخشونت‌آمیز کشور را اداره کند، حکمرانی در آن بهتر خواهد بود. در چنین شرایطی، نیاز دولت به استفاده بیش‌ازحد از حق الضرب کمتر است؛ چون، هزینه‌های لازم برای مقابله با این بی‌ثباتی‌ها کمتر بوده و توان کسب درآمدهای مالیاتی بیشتر می‌گردد. بنابراین، انتظار می‌رود که تغییر مثبت در این شاخص، استفاده از حق الضرب را کاهش دهد.

شاخص پاسخگویی و حق اظهار نظر، میزان مشارکت شهروندان در تصمیم‌سازی‌های سیاسی مانند انتخاب دولت و نظام سیاسی در هر کشور را نشان می‌دهد. آزادی بیان، آزادی احزاب، تشکله‌ها، اجتماعات و آزادی رسانه‌های جمعی، معیارهایی هستند که این شاخص براساس آن‌ها محاسبه می‌شود. بدیهی است، بهبود در حکمرانی خوب بر پایه این شاخص، میزان اعتماد و همراهی عمومی با دولت را افزایش می‌دهد. انتظار می‌رود با ارتقاء پاسخگویی، درآمدهای مالیاتی بهبود یافته، هزینه‌های دولت تحت کنترل نهادهای عمومی، امکان گسترش بی‌رویه نداشته باشد و در نتیجه، نیاز دولت به استفاده از حق الضرب کاهش پیدا کند.

۴. روش‌شناسی تحقیق و اندازه‌گیری متغیرها

با توجه به آنکه نظریه و تئوری مشخصی در زمینه مورد بررسی وجود ندارد و با توجه به ویژگی‌های روش خودرگرسیون برداری پانلی^۱، برای تخمین مدل، از این روش استفاده شده است.

۴-۱. معرفی مدل و متغیرها

برای بررسی رابطه حکمرانی خوب و حق الضرب، از مدلی استفاده می‌گردد که آیسان و ویگا^۲ (۲۰۰۵)، در صندوق بین‌المللی پول از آن استفاده کرده‌اند. مطالعه آنها اثر بی‌ثباتی سیاسی را بر حق الضرب بررسی نموده، اما در اینجا به اثر حکمرانی خوب پرداخته‌ایم:

متغیر وابسته: حق الضرب S_{it}

متغیر مستقل: حکمرانی خوب $Ggit-1$ که طبق تعریف بانک جهانی براساس شش مؤلفه اندازه‌گیری می‌شود. بر پایه مبانی نظری، انتظار داریم که رابطه منفی میان حق الضرب و بهبود حکمرانی خوب وجود داشته باشد. در اینجا از تک تک معیارهای شش‌گانه به صورت جداگانه استفاده شده و سپس در آخرین برآورد مدل، از شاخص ترکیبی به عنوان Gg استفاده به‌عمل آمده است.

1. Vector autoregressive panel model

2. Aisen, & Jese Veiga (2005)

متغیرهای کنترلی: بردار متغیرهای ساختار اقتصادی Eco_{it}

- ارزش افزوده بخش کشاورزی (نرخ رشد): به علت معافیت های مالیاتی بخش کشاورزی، رشد آن، ظرفیت مالیاتی دولت را به طور متناسب افزایش نمی دهد و می تواند باعث اتکای بیشتر دولت به حق الضرب گردد.
- تولید ناخالص سرانه واقعی: کشورهای ثروتمند، سیستم مالیاتی قوی تری دارند و انتظار می رود که نیاز کمتری به استفاده از حق الضرب داشته باشند. در نتیجه، ضریب این متغیر، منفی پیش بینی می شود.
- درآمدهای نفتی (نرخ رشد): با توجه به نقش و اهمیت بالای درآمدهای نفتی در رفتارهای اقتصادی دولت ها به ویژه استفاده از حق الضرب، با افزایش این متغیر، نیاز دولت به استفاده از حق الضرب کاهش می یابد.

بردار متغیرهای عملکرد اقتصادی و تکانه های خارجی Ecp_{it}

- درصد تغییر در تجارت: رشد قابل توجه تجارت، منجر به درآمد مالیاتی بیشتر خواهد شد و انتظار ضریب منفی برای این تغییر وجود دارد.
 - نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه: بدیهی است با نرخ رشد درآمد بالاتر، درآمد مالیاتی بیشتری نیز نصیب دولت گردد و ضریب این متغیر، منفی پیش بینی می گردد.
 - سهم مخارج دولت از تولید ناخالص داخلی: هرچه سهم مخارج دولت بیشتر شود، نیاز او به تأمین مالی بیشتر می گردد و از آنجا که یکی از روش های مرسوم برای تأمین مالی نیز استفاده از حق الضرب است و بنابراین، انتظار داریم رابطه میان این دو متغیر مثبت باشد.
- با توجه به توضیحات فوق، مدل مورد استفاده در این تحقیق، به صورت زیر خواهد بود:

$$S_{i,t} = \alpha G_{i,t-1} + \beta_1 Eco_{it} + \beta_2 Ecp_{it} + \varepsilon_{it} \quad (3)$$

۵. بررسی نتایج تجربی

نخست آزمون ریشه واحد متغیرها بررسی می شود تا از عدم برآورد رگرسیون کاذب مطمئن شویم. پس از آن تعداد وقفه بهینه در مدل تعیین می شود. در ادامه، مدل PVAR تخمین زده می شود و با استفاده از تابع واکنش آنی، واکنش هر یک از متغیرها نسبت به تکانه های ساختاری بررسی می شود؛ و در نهایت، با استفاده از تجزیه واریانس، سهم تکانه های متغیرهای درونزا به ویژه حکمرانی خوب در نوسانات حق الضرب مشخص می گردد.

۵-۱. بررسی پایداری متغیرها

برای بررسی پایداری متغیرها، از آماره لوین لی و چو استفاده شده است. نتایج آزمون در جدول (۴) به صورت خلاصه ارائه می شود:

جدول ۴: آزمون پایایی متغیرها

نتیجه	آماره لوین لی و چو	متغیر	نتیجه	آماره لوین لی و چو	متغیر
پایا در سطح	-۰/۰۰۰۷	رشد تولید سرانه	پایا در سطح	-۱/۱۹۰E-۰۵	کنترل فساد
	۰/۰۰۱۲			۰/۰۶۳	
پایا در سطح	-۲۴۴۹/۲۵	رشد سهم تجارت خارجی	پایا در سطح	-۰/۰۰۱۲	تغییر در اثربخشی دولت
	۰/۰۰۰۰			۰/۰۰۰۰	
پایا در سطح	-۰/۰۶۸	رشد سهم نفت	پایا در سطح	-۴/۴۰E-۰۵	تغییر در ثبات سیاسی
	۰/۰۰۰۰			۰/۰۰۰۱	
پایا در سطح	-۰/۰۰۰۱	حق الضرب	پایا در سطح	-۴/۰۰E-۰۵	تغییر در حاکمیت قانون
	-۰/۰۰۰۵			۰/۰۰۰۰	
پایا در سطح	-۰/۰۲۱۲	نرخ رشد سهم مخارج دولت	پایا در سطح	-۰/۰۰۰۱۳	تغییر در کیفیت تنظیم کنندگی
	۰/۰۰۰۰			۰/۱۴۱۲	
پایا در سطح	-۷/۲۰۰۳	نرخ رشد سهم مخارج بخش کشاورزی	پایا در سطح	-۱۰/۰E-۰۵	تغییر در پاسخگویی و حق اظهار نظر
	۰/۰۰۰۰			-۱/۹۰E-۰۵	

(مأخذ: یافته‌های تحقیق)

* در جدول برای هر متغیر سطر اول، مقدار آماره و سطر دوم، سطح معنی داری را نشان می‌دهد. سطح معنی‌داری با ۱۰۰۰ بار شبیه‌سازی مونت کارلو می‌باشد.

چنان‌که در جدول ملاحظه می‌شود، تمام متغیرهایی که در تحلیل مورد استفاده قرار گرفته‌اند، در سطح پایا می‌باشند.

۵-۲. انتخاب طول وقفه بهینه

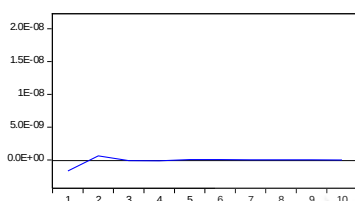
در قدم اول برای تخمین مدل‌های VAR، طول وقفه بهینه انتخاب می‌گردد. برای این کار از معیارهای حنان کوئین^۱ (HQ)، معیار شوارتز-بیزین (SCB) و معیار حداکثر درست‌نمایی (LR) استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که طول وقفه بهینه، یک می‌باشد. در این وقفه، مدل باثبات بوده و ریشه‌های مشخصه ضرایب متغیرها خارج از دایره واحد است. همچنین، نتایج آزمون

1. Hannam-Quinn Criterion (HQ)

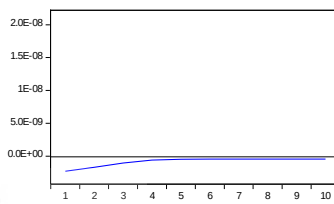
تشخیصی، بیانگر این است که فروض کلاسیک مهم همسانی واریانس و عدم خودهمبستگی در اجزای باقیمانده مدل‌ها، برقرار می‌باشد.

۶. نتایج توابع واکنش آنی متغیرهای مدل نسبت به تکانه‌های حکمرانی خوب

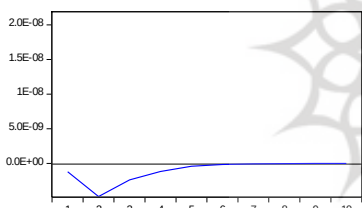
برای بررسی روابط پویایی متغیرها در کوتاه‌مدت، از ابزار تابع واکنش آنی استفاده می‌شود. توابع عکس‌العمل آنی مسیر پویایی را در پاسخ به یک تکانه حکمرانی خوب برای هر یک از متغیرهای سیستم به‌اندازه یک انحراف معیار، مشخص می‌کنند.



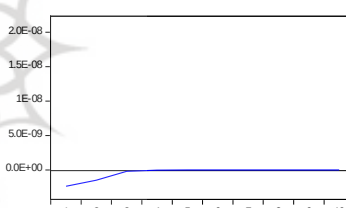
نمودار (ب): اثر تکانه اثربخشی دولت بر روی حق الضرب



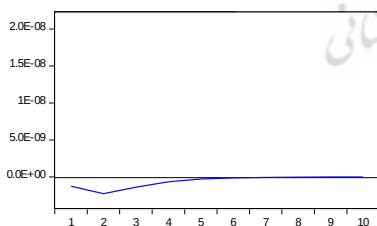
نمودار (الف): اثر تکانه کنترل فساد بر روی حق الضرب



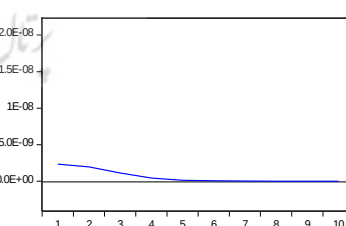
نمودار (د): اثر تکانه کیفیت تنظیم‌کنندگی بر روی حق الضرب



نمودار (ج): اثر تکانه حاکمیت قانون بر روی حق الضرب



نمودار (و): اثر تکانه پاسخگویی و حق اظهار نظر بر روی حق الضرب



نمودار (ه): اثر تکانه ثبات سیاسی و نبود خشم و تروریسم بر روی حق الضرب

چنان‌که پیش‌ازاین نیز اشاره شد، حکمرانی خوب بر اساس شش معیار کنترل فساد، کارایی دولت، کیفیت تنظیم‌کنندگی، ثبات سیاسی یا نبود خشونت و تروریسم، حاکمیت قانون، پاسخگویی و حق اظهارنظر محاسبه می‌شود. در نمودارهای (الف) تا (ز)، تأثیر یک تکانه مثبت به‌اندازه یک انحراف معیار متغیر حکمرانی خوب بر حق الضرب براساس توابع واکنش تکانه، نشان داده شده است.

در نمودار (الف)، ملاحظه می‌شود که تکانه کنترل فساد، تأثیر معنادار و منفی بر استفاده دولت از حق الضرب دارد. چنان‌که میلز و یوسفی^۱ (۲۰۱۴)، اشاره کرده‌اند، دولت‌ها انگیزه دارند تا برای جبران اثرات فساد از حق الضرب، سوءاستفاده کنند. در این تحقیق نیز این یافته رد نشده و براساس نمودار، اثر تغییرات کنترل فساد تا ۵ سال بر روی حق الضرب باقی می‌ماند و میزان استفاده از آن را کاهش می‌دهد.

نمودار (ب)، تأثیر یک تکانه مثبت به‌اندازه یک انحراف معیار تغییر در اثربخشی دولت را بر حق الضرب براساس توابع واکنش آنی، نشان داده است. مطابق نمودار (ب)، این تغییر، طی سال اول، اثر منفی داشته، اما خیلی زود به سمت مثبت شدن حرکت کرده و سپس اثرش از میان می‌رود. از آنجا که در کشورهای عضو اوپک، کارآیی دولت در بیشتر کشورها بجز کویت و امارات، مقداری منفی و کم‌نوسانی دارد، این موضوع نشان می‌دهد که تغییرات آن، نتوانسته چندان تأثیری بر حق الضرب ایجاد نماید.

نمودار (ج)، تأثیر یک تکانه مثبت تغییر در حاکمیت قانون را بر حق الضرب براساس توابع واکنش آنی نشان داده است. مطابق نمودار، اثر این تکانه، منفی بوده و پس از سه سال از میان می‌رود. در واقع، این نمودار، نشان داده است که در کشورهای عضو اوپک، تغییرات مثبت در حاکمیت قانون موجب شده تا به‌کارگیری حق الضرب توسط دولت‌ها در کوتاه مدت کاهش یابد.

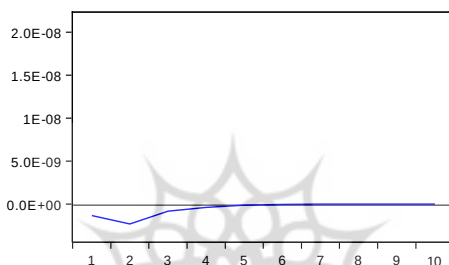
نمودار (د)، تأثیر یک تکانه مثبت در تغییرات کیفیت تنظیم‌کنندگی را بر حق الضرب براساس توابع واکنش آنی نشان داده است. مطابق نمودار، تغییر مثبت در این شاخص، تأثیر منفی بر میزان استفاده دولت‌ها از حق الضرب داشته و اثر تکانه تغییرات آن بعد از دوره دوم، رو به کاهش می‌نهد.

نمودار (ه)، تأثیر یک تکانه مثبت تغییرات ثبات سیاسی یا نبود خشونت و تروریسم را بر حق الضرب براساس توابع واکنش آنی، نشان داده است. براساس نمودار (ه)، افزایش تغییرات در ثبات سیاسی در کشورهای عضو اوپک، موجب افزایش حق الضرب طی یک دوره پنج ساله می‌گردد. با توجه به تلاطم‌های سیاسی در برخی از کشورهای مورد بررسی، بهبود ثبات سیاسی و پس از آن، نیاز دولت‌ها به سرمایه‌گذاری برای توسعه، موجب افزایش هزینه‌ها و استفاده بیشتر از حق الضرب گردیده است.

مطابق نمودار (و)، در کشورهای عضو اوپک، تأثیر یک تکانه مثبت در پاسخگویی دولت‌ها، باعث شده استفاده از حق الضرب کاهش یابد و اثر این تغییر تا هفت سال باقی مانده است. این موضوع مؤید طولانی بودن اثرات تغییرات نهادی مانند حکمرانی خوب بر حق الضرب می‌باشد.

شاخص ترکیبی

با توجه به متفاوت بودن نتایج شاخص‌های مختلف، برای آنکه در مجموع اثر حکمرانی خوب را بر حق‌الضرب بررسی کنیم، از شاخص ترکیبی حکمرانی خوب استفاده می‌کنیم. از آنجا که تعیین اهمیت و ضریب وزنی برای هر یک از شاخص‌های شش‌گانه در کشورهای مختلف، می‌تواند کاملاً متفاوت باشد و این شاخص‌ها در مواردی به‌صورت حسی محاسبه، همچنین ملاحظات کیفی مختلف در محاسبه آنها، توسط بانک جهانی منظور شده است، میانگین حسابی شش شاخص را، به‌عنوان بهترین نماینده برای تعیین شاخص ترکیبی، استفاده کرده‌ایم.



نمودار (ز): اثر تکانه شاخص ترکیبی حکمرانی خوب بر روی حق‌الضرب

نمودار (ز)، تأثیر یک تکانه مثبت تغییر شاخص ترکیبی حکمرانی خوب را بر حق‌الضرب براساس توابع واکنش آنی، نشان داده است. در مجموع، براساس مجموعه معیارهای مختلف محاسبه شده برای حکمرانی خوب، انتظار می‌رود رابطه میان این متغیر و حق‌الضرب به‌صورت معکوس باشد که نمودار (ز) نیز مؤید همین موضوع است. چنان‌که ملاحظه می‌گردد، اثر تکانه هرچند کوچک است، اما مدت‌زمان زیادی باقی می‌ماند. بر اثر ماهیت نهادی متغیر، اثر تکانه تا ۵ سال و نیم باقی می‌ماند و این موضوع نیز تأییدکننده ماندگاری آثار اصلاحات نهادی و اثر بلندمدت حکمرانی خوب بر حق‌الضرب است.

۷. تجزیه واریانس

با توجه به تعدد شاخص‌های حکمرانی خوب و بالا رفتن حجم مقاله، از آوردن نتایج آنالیز واریانس خودداری می‌شود؛ اما این نتایج در دفتر نشریه موجود و قابل دسترسی است. تحلیل واریانس، نشان داده است که عمده نوسانات متغیر حق‌الضرب توسط خودش توضیح داده می‌شود و طی ده سال به آهستگی کاهش یافته است. معمولاً بیشترین تغییرات در تحلیل واریانس توسط خود متغیرها توضیح داده می‌شود. در اینجا نیز حق‌الضرب دوره گذشته، بهترین توضیح‌دهنده دوره بعد می‌باشد. باید توجه نمود به‌ویژه در کشورهای عضو اوپک، دولت‌ها برای حفظ ثبات نرخ ارز به‌طور برونزا

ذخایر ارزی بانک مرکزی و در نتیجه، پایه پولی را تغییر می‌دهند. این موضوع نیز می‌تواند دلیلی برای خودتوضیحی بالای حق الضرب باشد.

نکته مهم دیگر، آن است که تغییرات شاخص حکمرانی خوب، طی دوره مورد بررسی که آمار مربوطه محاسبه و منتشر شده، برای کشورهای عضو اوپک بین $2/3$ تا $1/5$ تغییر نموده، در صورتی که دامنه آن می‌تواند از $2/5$ تا $2/5$ باشد. همین‌طور میزان انحراف معیار شاخص‌ها نیز بین $49/1$ تا $2/1$ تغییر نموده است. هرچند این موضوع از ماهیت نهادی متغیر برمی‌خیزد، این مقدار نوسان، نشان از آن دارد که طی دوره مورد بررسی، تغییر چشمگیری در شیوه حکمرانی در کشورها به‌وقوع نپیوسته تا اثر مثبت آن را در کاهش استفاده از حق الضرب به‌صورت جدی‌تری مشاهده کنیم. در مجموع براساس نتایج تحلیل واریانس، بعد از خود متغیر حق الضرب، حکمرانی خوب نیز توانسته به‌صورتی باثبات بیشتر از رشد بخش کشاورزی و نفت تغییرات حق الضرب را توضیح دهد.

۸. بحث و نتیجه‌گیری

در مسیر شناسایی رفتار دولت‌ها در زمینه استفاده از حق الضرب، بسیاری از تحقیقات پیشین، تمرکز خود را بر روی متغیرهای اقتصادی قرار داده‌اند، اما در سال‌های اخیر، نگاه‌های عمیق‌تر به عوامل تأثیرگذار، محققان را متوجه عوامل نهادی نموده است. لذا این تحقیق، اثر حکمرانی خوب و شاخص‌های شش‌گانه آن را بر موضوع پراهمیت استفاده دولت از حق الضرب از ابعادی جدید بررسی نموده است. با توجه به آنکه شاخص‌های حکمرانی خوب در ایران و بیشتر کشورهای عضو اوپک، متأسفانه منفی بوده و از نوسان قابل‌ملاحظه‌ای هم برخوردار نبوده، با این‌وجود، بر اساس یافته‌های این تحقیق، با احتیاط می‌توان گفت، رابطه معکوس میان حکمرانی خوب و استفاده از حق الضرب مورد تأیید قرار گرفته است.

این تحقیق، از شش فاکتور تعیین‌کننده حکمرانی خوب برای چهار عامل، رابطه معکوس میان حکمرانی خوب و استفاده دولت از حق الضرب را برای کشورهای عضو اوپک تأیید نموده است؛ یعنی تکانه مثبت در کنترل فساد، تغییر در حاکمیت قانون، تغییرات کیفیت تنظیم‌کنندگی و پاسخگویی دولت‌ها به علت اثراتی که بر هزینه‌ها و درآمدهای دولت‌ها داشته‌اند، موجب کاهش استفاده بیش از حد دولت‌ها از حق الضرب شده‌اند.

نتایج تحقیق تنها در مورد تغییرات در "ثبات سیاسی و نبود خشم و تروریسم" و "اثر بخشی دولت"، رابطه منفی میان آنها و حق الضرب را نشان نداده است. عوامل متعددی می‌تواند باعث این امر شود، از جمله با توجه به اینکه کشورهای مورد مطالعه از کشورهای در حال توسعه می‌باشند، هزینه‌های دولت با بهبود ثبات سیاسی با دنبال کردن برنامه‌های توسعه، به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای افزایش پیدا می‌کند. همچنین از آنجا که در کشورهای عضو اوپک، کارآیی دولت در بیشتر کشورها

بجز کویت و امارات، مقادیری منفی و کم‌نوسان می‌باشد، تغییرات اثربخشی دولت نیز نتوانسته چندان تأثیری بر حق‌الضرب ایجاد نماید.

چنانکه اشاره شد، در تحقیقات مختلف، اثرات مثبت بهبود حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی، مورد تأیید قرار گرفته، و با کمی احتیاط می‌توان گفت، در این تحقیق نیز نشان داده شد که بهبود حکمرانی خوب، باعث کمتر شدن تأمین مالی تورمی و در واقع، استفاده کمتر دولت‌ها از حق‌الضرب می‌شود. بنابراین، برقراری مستلزمات بهره‌مندی از حکمرانی بهتر، در جوامع کشورهای عضو اوپک، موجب می‌شود، یکی از مهم‌ترین مبادی ایجاد تورم که استفاده دولت از حق‌الضرب است، مهار گردد. برقراری حکمرانی خوب برپایه ساختارهای متناسب اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ممکن می‌گردد؛ اما تصمیم و خواست حاکمان برای برقراری آن، بی‌شک از مؤثرترین عوامل در این مسیر است.

بررسی وضعیت حکمرانی و حق‌الضرب در ایران نیز نشان داد که ایران، هم اتکای بیشتری نسبت به متوسط اعضای اوپک به تأمین مالی تورمی یا استفاده از حق‌الضرب دارد و هم، شاخص‌های حکمرانی در ایران از متوسط کشورهای منتخب پایین‌تر می‌باشد. بنابراین، با توجه به نتایج حاصله از تحلیل توابع واکنش در تحلیل تجربی، لزوم توجه به تغییر و بهبود شیوه‌های حاکمیت و اداره امور کشور بسیار ضروری است تا بدین وسیله، حکمرانی پولی نیز بهبود یابد و استفاده دولت از حق‌الضرب محدود گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

- Alesina, A. (1998). The political economy of high and low growth. in *Annual World Bank Conference on Development Economics*, 1997, Washington DC World Bank.
- Asgari, Mohammad Mehdi. (2005). Factors affecting inflation tax: Theoretical analysis. *Quarterly Journal of Economic Research and Policies*, 13(36), 77-109. [In Persian]
- Awad, Ibrahim L. (2023). A comparative study of seigniorage: Egypt and Qatar. *Economic Studies Journal*, Bulgarian Academy of Sciences - Economic Research Institute, issue 4, 172-190.
- Aisen, Ari, Francisco, José Veiga. (2005). The political economy of seigniorage. *IMF Working Paper*, ISBN/ISSN: 9781451861945/1018-5941
- Buiter, W. (2007). Seigniorage. *NBER Working Paper*, 12919.
- Chong, A. and Gradstein, M. (2004). Inequality and Institution. *Research Department Working Paper*, No. 506, Inter-American Development Bank: New York, NY.
- Darvishani, Darabi, Kaveh and Youssef Mahnateh. (2016). Theoretical and empirical study of the relationship between Central Bank independence and good governance. *Quarterly Journal of Economic Policy Making*, University of Al-Zahra, Fourth Year, No. 10. [In Persian]
- Delangizan, Sohrab and Sohaili, Kiomars and Khalooei, Elaha, (2011) , Determining the Seigniorage Threshold to GDP and Its Effect on Economic Growth (Case Study: Iran), *The Economic Research (Sustainable Growth and Development)*, 11 (1). [In Persian]
URL: <http://ecor.modares.ac.ir/article-18-2557-fa.html>
- Feng, Y. (2003). *Democracy, Governance and Economic performance: Theory and Evidence*. Cambridge: MA, MIT press.
- Friedman, M. (1971). The revenue from inflation. *J. Pol. Econ.*, 79, 841-856.
- Ghadimi, Maryam, Rabiei, Mahnaz, Duvani, Abdullah and Shahabadi, Abolfazl. (2020). Investigating the effect of institutional quality (corruption) and financial powerlessness (central bank independence) on optimal monetary policy using DSGE and STAR Approaches. *Applied Economic Theories*, 7(3), 241-280. [In Persian] doi: 10.22034/ecoj.2020.12262
- Huang, H., & Wei. S. J. (2006). Monetary policies for developing countries: The role of institutional quality. *Journal of International Economics*, 2(70), 225-39.
- Jafari Samimi, Ahmad and Rashid Shamkhale, Ali. (1997). Investigation of the importance and influential factors of inflation tax in Iran, *Economic Research Journal*, University of Tehran, No. 50. [In Persian]
- Knack, S. (Ed). (2003). *Democracy, Governance and Growth*, Ann Arbor: The University of Michigan Press.
- Knack, S. and Keefer, P. (2003). Does Social Capital Have an Economic Payoff: A Cross-Country Empirical Investigation, in Knack, S. (E d). *Democracy Governance and Growth*, Ann Arbor: The university of Michigan Press.

- Komijani, Akbar and Salatani, Parvaneh. (2008). The impact of good governance on economic growth in selected OPEC and OECD Countries. *Quarterly Journal of Economic Modeling*, Second Year, No. 2, No. 6, Winter, 24-1. [In Persian]
- La porto, R., Lopez- de- silanes, F., Shleifer, A. and Vishny, R. (1998). The quality of government. *Journal of Law, Economics and Organization*, 15 (1), 222-279.
- Li, Shaomin, Filer Larry. (2007). The effect of governance environment on the choice of investment mode and the strategic implications”, *Journal of World Business*, 42, 80-98.
- Lydia, Aina Abiola. (2012). Political and economic determinants of seigniorage in Nigeria. *Journal of Social Science and Public Policy*, Vol. 4, 24-34.
- Marty, A. (1967). Growth and the welfare cost of inflationary finance. *J. Pol. Econ.*, 75, 71-76.
- Mauro, P. (1995). Corruption and growth. *Quarterly Journal of Economics*, Vol. 110 (3), 681-712.
- Minea, A., & Villieu, P. (2009). Can inflation targeting promote institutional quality in developing countries?. In *The 26th. Symposium on Money, Banking and Finance*, University of Orléans, 1, 25-26.
- Mohammadzadeh, Yousef, Hekmati, Fereid, Samad and Sharifi, Elmira. (2017). The effect of government size on good governance and economic performance in selected countries. *Economic Growth and Development Research*, 7(26), 97-112. [In Persian]
- Motefakher Azad, Mohammad Ali, Asadzadeh, Ahmad and Gorshasbi, Saeed. (2013). The impact of good governance on gross domestic product, *Economic and Social Sociology and Development*, Period 2, No. 1. 2322-4371. [In Persian]
- Moradi M A, Tajick Khavesh M. Money Demand and Seigniorage in Iran: 1342-1386. (2011)The Economic Research (Sustainable Growth and Development); 10 (4) :41-67[In Persian]
- <http://ecor.modares.ac.ir/article-18-4655-fa.html>
- Motahari Nezhad, Abbas and Nasrallah, Zahra. (2022). Explaining the Non-Linear Relationship between Money Creation and Rule of Law with Threshold Approach. *Economic Research (Sustainable Growth and Development)*, Vol. 23, No. 4, 107-129 [In Persian]
- Motahari Nezhad, Abbas and Nasrallah, Zahra. (2022). Money and the rule of law in Iran. *Econometric Modeling*, 7(2), 95-123. [In Persian]
- doi: 10.22075/jem.2022.27726.1748
- Myles, Gareth D., Yousefi, Hana. (2015). Corruption and seigniorage. *Journal of Public Economic Theory*, Vol. 17, Issue 4, Special Issue: Governance and political economy, 480-503. <https://doi.org/10.1111/jpet.12119>
- Mohammed, Dhannoon Mohammed, Bashar Ahmed Al-Iraqi. (2021). The effect of corruption on seigniorage: Applying on a sample of oil and non-oil countries. University of Kirkuk. *Journal For Administrative and Economic Science*, Vol. 11, Issue 2, 340-367.

- Rezaei, Ali, Mazaheri Tahmasb, Tossehli Rukn, Abadi, Majid. (2020). The relationship between good governance and central bank independence using Canonical correlation analysis. *Journal of Political and International Studies*, 11(44), 253-269. [In Persian]
- Romer, D. (2011). *Advanced Macroeconomics*. fourth edition, McGraw-Hill.
- Sedarmayanti. (2012). *Good Governance Kepemerintahan Yang Baik Bagian Pertama*. Mandar Maju, Bandung.
- Taqi Nezhad Imran, Vahid, Ilmi, Zahra Mila, & Ramadan Pour, Mobin. (2022). The impact of political variables on the relationship between inflation and income inequality in selected countries (D8 and OECD). *Scientific Journal of Economic Modeling*, 16(58), 85-101. [In Persian]
doi:10.30495/eco.2022.1954261.2637
- Sabbaghe Kermani, Majid, Yavari, Kazem, Mousavi Nik, Seyed Hadi, Bagheri Por Mehr, Shoeleh, (2014), The Impact of Fiscal Dominance on Inflation Rate in Iran Using a Dynamic Stochastic General Equilibrium Model, *The Economic Research (Sustainable Growth and Development)*, 14 (1) :1-26. [In Persian] URL: <http://ecor.modares.ac.ir/article-18-10903-fa.html>
- Thuy, Tien Ho, Van Bon Nguyen, & Thi, Bao Ngoc Nguyen. (2021). The different role of governance in the fiscal deficit-inflation between developed and developing countries. *Macroeconomics and Finance in Emerging Market Economies*, doi:10.1080/17520843.2021.1973787
- Varesousaz, Behnaz, Ghafari, Farhad, Hussein, Seyyed Shamseddin and Mammarnjad, Abbas. (2020). The impact of the expansion of cryptocurrencies (Bitcoin) on the demand for money and inflation tax in the framework of the DSGE dynamic random equilibrium model. *Journal of Economic Strategy*, Ninth Year, Thirty-Fourth Issue, Autumn, 165-197. [In Persian]
- Vatanpour, Mohammad, (2003). Investigating the factors affecting inflation tax in the Iranian economy (2001-1921). *Economic Research Journal*, 3(10), 157-176. [In Persian]
- Zahiri, Manahi, Zayandeh Roodi, Mohsen and Jalaei Esfand Abadi, Seyed Abdolmajid. (2022). The Impact of Good Governance Dimensions on Sustainable Development in Selected Countries (OPEC Plus Countries). *Bi-Annual Scientific Journal of Economic Studies and Policies*, 9(1), 170-193. [In Persian]
doi:10.22096/esp.2022.136770.1416
<https://data.imf.org>
<https://tsd.cbi.ir/>
<https://databank.worldbank.org>.

Good Governance and Seigniorage in a Selected OPEC Countries and Iran

Ali Rashid shamkhal¹
Kambiz Paykarjou²
Baytollah Akbari moghadam³

Received: 2024/1/13

Accepted: 2024/2/12

Aim and Introduction

Seigniorage, in addition to being a crucial economic tool, holds a significant position in terms of governance for governments. The way governments manage the power obtained through seigniorage can be influenced by granting independence to the central bank or by adhering to principles of good governance within social institutions. Good governance has several positive effects on government revenues and efficiency. While the use of seigniorage may initially appear as a natural right of governments, if it leads to a faster growth rate of money compared to economic growth, it can result in inflation and impose inflationary taxes.

According to the theory of financial dominance, the practice of monetizing deficits undermines the independence of the central bank, rendering it unable to exercise proper monetary control and policymaking. In countries that are members of the OPEC cartel, where government budgets are often closely tied to oil revenues, budget deficits can be influenced by fluctuations in oil prices, which can incentivize governments to use seigniorage more frequently. Additionally, in the context of good governance, covering up government inefficiency and corruption can also serve as an incentive for increased use of seigniorage. This research focuses on exploring the relationship between good governance and seigniorage in OPEC member countries that have access to oil revenues.

Methodology

This study has employed a panel vector autoregression model to investigate the relationship between good governance and seigniorage among the member countries of the Organization of the Petroleum Exporting Countries (OPEC) during the period of 1995-2020.

-
1. Ph. D. Student of Economic, Tehran Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: shamkhal@qiau.ac.ir
 2. Assistant Professor, Economic Department, Tehran Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.(Corresponding Author), E-mail: dr.k.paykarjou@gmail.com
 3. Associate professor, Economic Department, Qazvin Branch of Islamic Azad University, Qazvin, Iran. E-mail: akbari.beitollah@gmail.com

Findings

Among the OPEC members, four out of the six facets of good governance were found to have a negative correlation with the government's use of seigniorage. However, no statistically significant correlation was observed between other facets, namely changes in political stability and the absence of violence and terrorism, government effectiveness, and the government's use of seigniorage. The findings also indicated long-term effects of good governance shocks, as an institutional factor, on seigniorage, lasting for up to seven years. Therefore, this study cautiously confirms the negative correlation between the good governance index and the government's use of seigniorage.

Discussion and Conclusion

In OPEC member countries, where governments also control oil revenues, good governance can play a role in managing these revenues. Oil revenues have two effects on government decisions; an income effect and a monetary effect. In terms of income, it increases the government's available revenues, while in terms of money, it can contribute to the country's monetary base. However, unless the domestic equivalent of money is received from the central bank and introduced into the domestic economy, it does not lead to a change in the monetary base and inflationary effects. In countries with active and effective social institutions, better governance enables governments to use oil revenues more efficiently, often directing them towards investment funds to increase the country's wealth. Therefore, the impact of oil revenues on seigniorage in OPEC member countries is determined by the combined effect of these two outcomes. Furthermore, good and efficient governance by the government leads to a reduction in government expenditures, subsequently reducing the need for inflationary financing and the use of seigniorage. Good governance, considering factors such as responsiveness and the political costs of the government when using seigniorage, increases the costs and reduces the government's inclination to rely on inflationary financing.

The research results did not indicate a negative relationship between the variables of "political stability and absence of violence/terrorism" and "government effectiveness." Several factors may contribute to this finding, including the fact that the studied countries are developing nations where government expenditures increase significantly with improved political stability through development programs. Moreover, except for Kuwait and the United Arab Emirates, the government's efficiency in most OPEC member countries is somewhat negative and exhibits low volatility, which may explain the lack of significant impact from changes in government effectiveness on seigniorage.

As various studies have confirmed, improving good governance has positive effects on economic growth. With some caution, this research suggests that enhancing good governance leads to less inflationary financing and reduced

government reliance on seigniorage. Therefore, establishing the necessary conditions for better governance in OPEC member countries can help curb inflation, which is one of the main consequences of the government's reliance on seigniorage. Establishing good governance based on appropriate economic, political, cultural, and social structures is feasible, but the decision and willingness of rulers to implement it undoubtedly remain among the most influential factors in this endeavor.

The investigation of good governance and the seigniorage in Iran also demonstrates that Iran relies more on the average OPEC members for inflationary financing or using the seigniorage, and its governance indicators are lower than the selected countries' average. Therefore, based on the results obtained from the analysis of response functions in empirical analysis, it is essential to pay attention to changing and improving the methods of governance and administration of the country. This way, monetary governance can be improved, and the government's use of the seigniorage can be limited.

Keywords: Seigniorage, Good Governance, OPEC

JEL Classification: E51, H11, C32

